**فهرست مطالب:**

[معنای رزق 2](#_Toc429414725)

[معنای لباس 2](#_Toc429414726)

[تجربیاتی در تاریکی شب 2](#_Toc429414727)

[آرامش تاریکی 2](#_Toc429414728)

[آیه قرآن درباره لباس 3](#_Toc429414729)

[شب به‌مثابه لباس 3](#_Toc429414730)

[حفظ تعادل در کار 3](#_Toc429414731)

[مودت و رحمت در خانواده 4](#_Toc429414732)

[حفظ نظام خانواده 4](#_Toc429414733)

[مصداق سوم لباس 4](#_Toc429414734)

[لباس تقوی 5](#_Toc429414735)

[مصداق معنوی لباس 5](#_Toc429414736)

[نقش تقوا در لباس معنویت 5](#_Toc429414737)

[پوشاندن معایب درون انسان با لباس تقوی 6](#_Toc429414738)

[بحث لباس در نماز 6](#_Toc429414739)

[احکام لباس 6](#_Toc429414740)

[محرمات لباس 7](#_Toc429414741)

[وسیله‌های کمال انسان 7](#_Toc429414742)

[آداب لباس 7](#_Toc429414743)

[نظافت یک اصل مهم در اسلام 8](#_Toc429414744)

[نظافت لباس در محیط خانواده 8](#_Toc429414745)

[اقتصاد در لباس 8](#_Toc429414746)

[تحول زمان و تغییر لباس 9](#_Toc429414747)

[اسراف در لباس 9](#_Toc429414748)

[نگه‌داری امام(ره) از لباس‌هایش 9](#_Toc429414749)

[آراسته و مرتب بودن در ارتباطات 10](#_Toc429414750)

[عادات اسلام 10](#_Toc429414751)

[دعا 10](#_Toc429414752)

# معنای رزق

رزق ابتدا یک‌چیز مادی مخصوص بوده است ولی معنایش بالاتر می‌رود و آنگاه خود امامت و ولایت رزقی برای انسان می‌شود.

این روال در زبان عربی و مخصوصاً در قرآن کریم این‌گونه است.

واژه‌ها و الفاظ از معانی ملموس شروع می‌شود و صدق آن تا معانی مناسب خودش می‌آید ولی مجرب و خیلی متعالی‌تر است.

این‌یک قانون است. مرحوم علامه طباطبایی هم این را در المیزان چند جادارند. عین این داستان در کلمه لباس در قرآن آمده است.

# معنای لباس

لباس یعنی پوشش. مصداق ملموس و محسوس آن‌همان پوششی است که ما را از سرما و گرما نگه‌ می‌دارد و نوعی آراستگی به انسان‌ها می‌دهد که روابط آن‌ها انسانی می‌شود.

این معنای پوشش اولیه است. ولی همین معنا وسیع‌تر شده به شرطی هم که یک پوششی برای همه انسان‌ها آرامش خاصی می‌آورد به آن‌هم لباس گفته می‌شود.

# تجربیاتی در تاریکی شب

ازنظر روان‌شناسی تاریکی شب نوعی تجربه است و در تحقیقات روانشناسی هم این ثابت‌شده است.

شب‌های بزرگ‌تری در دنیا هست که تقریباً مثل روز است.

یعنی در تمام شب رفت‌وآمد وجود دارد و فضا بسیار روشن است وزندگی تقریباً فعال است.

تحقیقاتی انجام داده‌شده و نشان داده‌شده که این‌طور فعال بودن در شب به‌طور کامل و روشنی زیاد در شب و دایر بودن زندگی مثل روز، این‌ها روی اعصاب و روان انسان‌ها تأثیر معکوس و منفی و مضری می‌گذارد.

# آرامش تاریکی

تاریکی آرامشی می‌آورد که هرگز در نور و روشنایی وجود ندارد.

این حتی در کشور آمریکا و بعضی شهرهای اروپایی تحقیق‌شده است.

من مدتی قبل دریکی از تحقیقات روانشناسی این را می‌خواندم. که این آثار بدی می‌گذارد.

یعنی اگر صنعت و پیشرفت شهر و یک منطقه‌ای همش در فعالیت باشد و پوشش شب نداشته باشد. این آرامش را از انسان می‌گیرد و امراض روانی تولید می‌کند.

# آیه قرآن درباره لباس

چقدر قرآن زیبا می‌فرماید که لباس اولش همین پوشش است ولی بعد پوشش روانی، پوششی که ما را آرامش می‌بخشد یعنی شب است.

**«جَعَلَ لَکمُ اللَّیلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا»[[1]](#footnote-1)** شب را پوشش برای شما قراردادیم و خواب را وسیله آرامش و راحتی شما.

یعنی خواب آرام و راحت در اثر آن پوشش شب است که آن آرامش حاصل می‌شود. تجربه شخصی و تحقیقات هم این را نشان می‌دهد.

# شب به‌مثابه لباس

پس آن قانون کلی که مرحوم علامه و بزرگان دارند که واژه‌ها از معانی ملموس شروع می‌شود و بعد به معانی عالی و خیلی معنوی و عرفانی می‌رسد این در کلمه لباس هم به‌کاررفته است.

**«أ َنزَلْنَا عَلَیکمْ لِبَاسًا یوَارِی سَوْءَاتِکمْ»[[2]](#footnote-2)** ولی مصداق دوم آن شب است. که آن‌هم لباس و پوششی است که آرامش می‌آورد.

# حفظ تعادل در کار

لذا در روایات آمده است که خدا کسی که دائم کار کند و آرامش بر خود نبندد دوست ندارد.

البته برحسب وظائف درجاهایی ضروری است و انجام می‌گیرد و بحثی نیست.

کارهایی است که باید انجام بگیرد وعده‌ای به‌صورت شیفت شب انجام دهند. آن ثواب هم دارد.

و خدا آن چشمی که برای نگهبانی از مرزها شب‌بیدار باشد ثواب‌ها برایش ذکر کردند. مثل چشمی که شب‌بیدار باشد.

ولی اصولاً خدا شب را لباس می‌فرماید. این مصداق دوم است که کمی وسیع‌تر شده است.

# مودت و رحمت در خانواده

از آن بالاتر قرآن کریم زن و شوهر، درواقع کانون خانواده را نوعی لباس و پوشش آرامش‌بخش معرفی کرده است.

عمده‌ترین نقشی که مسئله خانواده دارد و در قرآن هم به آن اشاره‌شده است مودت و رحمت است و به تعبیر اینجا هم لباس است.

این پوششی است که یک عده‌ای را زیر پر خودش جمع می‌کند و افراد نسبت به یکدیگر پوششی می‌شوند.

# حفظ نظام خانواده

آرامشی که قرآن و احادیث ما به این خیلی تأکید دارد و واقعاً نظام ما و خود ما و همه باید بدانند که نظام خانواده به‌عنوان رکن، یک نظام و یک جامعه اسلامی باید به بهترین وجه محفوظ بماند.

و در تغییرات صنعت و تحولاتی که پیش می‌آید نظام خانواده محکوم نشود و از بین نرود.

# مصداق سوم لباس

یک‌بخشی از تغییر و تحول‌های اجتماعی، تغییر و تحول‌هایی در شکل خانه وزندگی پدید می‌آورد. ولی یک‌قسمتی از آن واقعاً کنترل است و اسلام هم‌روی آن تأکید دارد.

این هم مصداق سوم لباس است.

# لباس تقوی

قرآن اوج می‌گیرد. پوشش ظاهری، پوشش شب، آرامش‌بخش شب، پوشش خانوادگی و در اوج آن «**لِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِک خَیرٌ»[[3]](#footnote-3)**خداوند می‌فرماید تقوا برای شما لباسی است.

یعنی پوششی بر هواها، هوس‌ها شیطنت‌ها و معایب انسانی لباس تقواست. درست مثل‌اینکه لباس معایب انسان را می‌پوشاند. و به انسان آراستگی می‌دهد این‌ها فواید چندگانه لباس بود که اشاره کردیم.

# مصداق معنوی لباس

همین ویژگی‌ها در تقوا به‌عنوان یک صفت معنوی و حقیقت عرفانی وجود دارد. این مصداق عالی و معنوی و مجرب لباس است.

همان‌طور که مرحوم علامه فرمودند، از رزق‌های مادی شروع می‌شود تا معارف الهی که آن‌ها رزق‌های عرفانی و معنوی انسان است.

# نقش تقوا در لباس معنویت

انسانی که ملکه تقوا را ندارد، ترس از خداوند در وجود او نیست و توجهی به خدا و عالم غیب ندارد. این افسارگسیخته است و معایب زیادی در اخلاق و رفتار و شخصیت او به وجود می‌آورد و همه نمایان است.

تقوا این‌ها را می‌پوشاند. هر چه هم قوی‌تر شود این معایب در انسان پنهان‌تر و مخفی‌تر می‌شود. تا برسد به مقام عصمت که این‌ها ذوب می‌شود.

به مقام عصمت که رسید این عیب‌ها و شیطنت‌ها و هواها ذوب می‌شود و همان جمله‌ای که بزرگان ما زیاد می‌گویند.

این روایت را نقل می‌کنند که **«إنّ شَیطانی أسلَم عَلی یَدَی»[[4]](#footnote-4)** نبی مکرم اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) می‌فرمایند: شیطان من (در روایتی است که همه شیطانی دارند) به دست من تسلیم شد. این همان شیطان درون است که همه ما داریم.

# پوشاندن معایب درون انسان با لباس تقوی

لباس تقوا این شیطنت‌ها، معایب درون انسان را می‌پوشاند.

و هرچقدر هم‌درجه تقوا بالاتر بیاید این حجاب بر معایب قوی‌تر می‌شود. و لذا در قرآن آمده که **«لِبَاسُ التَّقْوَی ذَلِک خَیرٌ»[[5]](#footnote-5)**

آخر همان مصداق مادی لباس قرآن روح ما را پرواز می‌دهد. ذهن ما را بالا می‌برد که این لباسی است که نعمت خداست و آداب و اسرار دارد.

روح لباس، لباس تقواست.

# بحث لباس در نماز

بحث لباس که در نماز مطرح می‌کنند از همین احکام فقهی می‌گویند.

و بعد مستحبات و آداب لباس را می‌گویند و یک‌دفعه هم اوج می‌گیرند و بحث لباس معنویت، لباس تقوا و عرفان. این را از خود قرآن می‌تواند الهام بگیرد.

# احکام لباس

در لباس که نعمت خداست ممکن است با گناه همراه شود.

لباس از شرایط نماز هم هست، اینکه لباس طاهر باشد، غصبی نباشد و امثال این‌ها.

لباس از گناهانی که ممکن است انسان در مسیر گناه قرار بگیرد. به‌صورت طلا و حریر باشد که برای مرد حرام است.

یا لباس غصبی که انسان این نعمت را از طریق غصبی تحسین کند.

و یا لباسی که تشبه به کفار باشد یا تصدق به زن باشد. بنا بر بعضی فتواها مرد به زن و زن به مرد است.

# محرمات لباس

لباسی که مهیج شهوت باشد و از حد معتاد خارج شود مخصوصاً در خواهران و لباسی که از آن مرضی که خداوند برای حجاب برایش تعیین کرده است خارج شود. این‌ها محرمات است.

یعنی هر نعمتی که خداوند داده است با یک شرایطی حلال می‌شود و قابل‌استفاده و خوب و به همان نعمت چندین نوع گناه فرض شده مثل‌اینکه در نعمت حرف زدن و زبان که آن‌قدر مهم بود ده‌ها گناه فرض می‌شد.

لباس یک پوشش ظاهری برای انسان است.

این وظیفه انسان است که لباس خود را از این گناهان حفظ کند. غصبی نباشد یا ...

# وسیله‌های کمال انسان

حالا غصبی بودن هم انواع و اقسامی دارد.

از این‌که آدم مال کسی را بدزدد یا اینکه خمس آن داده نشده باشد. این معاصی است که در لباس است.

واجباتی هم در لباس وجود دارد، طبق آن‌ها انسان روشن می‌شود.

پوششی که برای مرد و زن هست منتها برای زن یک مقدار بیشتر است و برای مرد یک مقدار کمتر است. بر اساس مصالح الهی که بوده و همه این‌ها هم وسیله‌های کمال انسان است که باید رعایت کرد.

# آداب لباس

غیر از محرمات و واجباتی که در لباس است آدابی هم دارد.

یکی از آداب لباس نظافت است.

تمیزی لباس در حدی که در توان فرد باشد، قرآن و اسلام روی آن تأکید دارد و سیره ائمه (ع) هم این بوده است.

آن زمان آب کم بوده و مشکلات عربستان‌ها و ... ولی درعین‌حال تا آنجا ثبت و ضبط‌شده که ائمه ما و پیغمبر اکرم (ص) نظیف بودند. هم بدن و هم لباسشان.

# نظافت یک اصل مهم در اسلام

نظافت یک اصل و ادب مهم اسلامی است. که یک مورد آن‌هم لباس است. مخصوصاً این نظافت باید برای مسجد و نماز جماعت و جمعه و امثال این‌هاست که نظافت بدن و لباس خیلی روی آن تأکید شده است.

در باب لباس و نماز دو جور روایت واردشده است.

بعضی روایت‌ها آمده که بهترین لباس‌هایتان را در نمازها بپوشید.

و بعضی هم آمده که بالباس‌های بهترین لباس یا مدل معمول باشد که نماز را با آن بخوانیم.

اینکه می‌گویند که لباس خوب و مرتب خود را بپوش زیرا آن مال جمعه و جماعت و مواردی است که ارتباطات انسانی برقرار می‌شود.

این ریاضت‌ها را ممکن است کسی در نهان نزد خود و خدا داشته باشد.

نماز شب را بخواند با یک لباس زبری که احساس سختی کند. شاید یکی از جمع‌های آن این باشد.

# نظافت لباس در محیط خانواده

به‌هرحال نظافت و مرتبی لباس مخصوصاً در جماعت و ارتباطات مهم است. و از آن مهم‌تر در روابط خانوادگی است.

در روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) آمده که: اگر مردها در مواقعی که با همسر خود ارتباط دارند رعایت لباس خود را می‌کردند بسیاری از گناهان کم می‌شد.

و نقطه مقابل آن‌هم در مورد زن‌ها است. یعنی در فضای خانه ضمن اینکه باید نکات تربیتی فرزندان رعایت شود آن‌طرف قضیه هم مسائل مهمی وجود دارد که باید رعایت شود.

# اقتصاد در لباس

مسئله بعدی لباس اقتصاد در لباس است.

**«مَلْبَسُهُمُ الِاقْتِصَاد»[[6]](#footnote-6)** دومین صفت انسان‌های باتقوا این است که پوشش آن‌ها بر اساس اعتدال و میانه‌روی است.

نه به تجملات و تشریفات بیش‌ازحد و متناسب بازمان خودشان که آن‌ها را غافل از خدا کند. که خود لباس ممکن است به‌صورت لباس سلاطین و تجملات درآید که برای انسان رحمت زا باشد.

و لباس‌های معادل شأن آن‌ها و طوری که توان دارد ولی اهل ایمان نیست.

# تحول زمان و تغییر لباس

یک حد اعتدال و میانه‌روی لازم است این هم به تحول زمان فرق می‌کند. امام صادق (ع) که به ایشان اشکال کردند که چرا لباس شما این‌گونه است ولی لباس حضرت علی (ع) طور دیگری بود؟

حضرت فرمودند زمان فرق کرده است. ولی هر زمان باید حد اعتدال را به آن توجه کرد.

# اسراف در لباس

در چند روایت آمده که اگرچند دست لباس داشتیم آیا این اسراف در لباس می‌شود؟

و چند روایت آمده که اگر دو یا سه دست لباس داشته باشد و آن‌ها را مرتب نگه دارد این اسراف نیست.

اسراف این است که بیجا از لباس استفاده کند.

اگر لباس ارتباطات را همان لباس کار قرار دهی و لباس بیرون و منزل یکی باشد این‌یک اسراف است.

# نگه‌داری امام (ره) از لباس‌هایش

حضرت امام (ره) وقتی به حسینیه جوانان می‌آمدند از در که داخل می‌شدند لباسشان را درمی‌آوردند، تا می‌کردند و کنار می‌گذاشتند.

و کارهای خود را انجام می‌دادند باز که بیرون می‌آمدند لباسشان را می‌پوشیدند.

این یعنی لباس را نگه‌داشتن، در روایت این‌طور است که به‌جای اینکه یکدست لباس داشته باشد و دو سال بپوشد مثلاً دو یا سه دست دارد و آن را حدود ده سال می‌پوشد. این اسراف نیست.

خود امام (ره) نقل می‌کنند که عبایی داشتند که بیست سال نگه‌داشته بودند و همیشه هم مرتب نگه می‌داشتند.

# آراسته و مرتب بودن در ارتباطات

یک بعد قضیه در مسئله لباس و بدن در روایات ما آمده، ضمن اینکه آدم نباید اسراف‌کاری‌ها و تجملات داشته باشد درعین‌حال اسلام می‌خواهد در ارتباطات آراسته و مرتب باشد.

این از آداب است که لازم است انسان از حالت‌های معمولی بیرون رود. حداقل در خلوت و در یک نماز و عبادتی و از این آراستگی‌ها بیرون آید.

# عادات اسلام

این چند نکته مهمی است که از عادات اسلام است. هیچ نعمتی ازجمله لباس نباید باعث غفلت انسان شود.

و باعث دور شدن و فراموشی خدا شود.

برای مبارزه با این جهاد باید بسم الله بگوییم و دعا بخوانیم این‌ها ممکن است آداب کوچکی تلقی شود اما در روح و روان انسان مؤمن خیلی نقش دارد.

بحث دوم عرایض ما اسرار لباس و بعضی نکات عرفانی است.

ان‌شاءالله در جلسه بعد بحث عرفانی و نکات معنوی مهمی که در باب لباس است و در روایات آمده عرض می‌کنیم.

# دعا

خدایا همه ما را ببخش و بیامرز! سلام‌های خالصانه ما را به محضر مولایمان و امامان حضرت بقیة‌الله الاعظم (ع) ابلاغ بفرما! بر فرج آن حضرت تعجیل بفرما!

**نسئلک اللهم و ندعوک باسمک العظیم الاعظم الأعزّ الأجلّ الاکرم یا الله ... یا ارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعد المعصیة و صدق النیّة و عرفان الحرمة؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره الفرقان آیه 47** [↑](#footnote-ref-1)
2. **. سوره الاعراف آیه 26** [↑](#footnote-ref-2)
3. **. سوره اعراف آیه 26** [↑](#footnote-ref-3)
4. **. عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة، ج 4، ص 97** [↑](#footnote-ref-4)
5. **. سوره اعراف آیه 26** [↑](#footnote-ref-5)
6. **. کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج 2، ص 849** [↑](#footnote-ref-6)